wären, hätten, würden

written by مرتضی غلام نژاد | می 26, 2018

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به wären, hätten, würden

خب قبل از هر چیز اجازه بدید ببینیم اصلاً این افعال چی هستند و از کجا آمده اند و معنی و مفهوم آنها در فارسی به چه شکل است!

در واقع wären از گذشته ساده فعل sein که waren بوده است ، ساخته شده است ، اما معنی مفهوم ما یک بودنی است که همراه با حسرت و آرزوست ، یعنی هم می تواند بشود و هم می تواند نشود ، شک ، تردید ، حسرت و آرزوهای به همراه دارد ، ما در فارسی از واژگانی چون ای کاش ، چی می شد و ... استفاده میکنیم که این ها همراه با حسرت و تردید و آرزو می باشد ، اما در زبان آلمانی و تفکر آلمانی تمامی افعال می توانند به زمانی بروند که تمام این سیگنال ها (حسرت ، آرزو ، تردید ، شک و ...) را به همراه داشته باشد.

برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

Jetzt bin ich immer noch hier und muss lernen

من هنوز که هنوزه اینجا هستم و باید درس بخوانم

حال اگر بخواهم بعد از این جمله ، جملاتی مانند : ای کاش توی تختم بودم یا چی می شد الان توی تختم می بودم را بکار ببرم ، آنگاه به سر وقت wären میروم که صرف آن برای bin یعنی اول شخص مفرد (من) می شود wäre

Aber ich wäre so gern auf den Skateboardplatz

ولی من خیلی دلم می خواست (الان) در محل بازی و تمرین اسکیت می بودم

یا در فارسی : چی می شد الان در محل بازی و تمرین اسکیت می بودم ، ای کاش می شد الان توی محل بازی و تمرین اسکیت

می بودم

اگر توجه کنید : جملات بالا همراه با حسرت و آرزو و یا یک تمایل قلبی است که ما برای به تحقق بخشیدن آنها نمی توانیم به طور قاطع و صد در صدی اطمینان داشته باشیم ، یعنی یا می شود یا نمی شود. مثلا منی که الان باید بشینم درس بخوانم ، رفتن به محل بازی اسکیت یک حسرت است ، اگر چه دلم می خواهد اونجا می بودم ولی الان باید بشینم درسم را بخوانم!

اما hätten نیز گذشته ساده فعل haben که hatten است ، می باشد.

دقیقاً داشتنی که همراه با حسرت و آرزو ، شک و تردید و ... است

Wenn die Familie zu Hause ist, habe ich kaum Zeit für mich

چنانچه آن خانواده در خانه است ، من به سختی زمان یا وقت برای خودم دارم

حال اگر بخواهم بعد از این جمله ، حسرت یا خواسته قلبی خودم را بیان کنم ، آنگاه haben من باید به hätten تبدیل شود :

Ich hätte gern mal ein bisschen Ruhe

من خیلی دلم می خواست یک کمی آرامش و آسایش می داشتم

مگر ما در فارسی نمی گوییم : من آرامش ندارم چی می شد یک کمی آرامش میداشتم یا اینکه مگر نمی گوییم : وقتی تمام خانواده در خانه جمع هستند ، من یه ذره آرامش ندارم ، چی میشد توی این همه شلوغی یه ذره آرامش میداشتم.

اما کاربرد würden کمی فرق میکند ، میدانیم که würden هم از فعل werden آمده است که برای ساخت زمان آینده ساده مورد استفاده قرار میگیرد ، در اینجا نیز همین نقش را دارد. یعنی چی ؟ یعنی اینکه اگر ما بخواهیم این نوع جملاتی که بر گرفته از خواسته قلبی است و همراه با حسرت و آرزو و ...است ، آنگاه به سر وقت würden میرویم.

برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید:

Wir fahren eigentlich nie ohne die Kinder weg

ما در واقع بدون بچه ها هرگز به جای دوری نمیرویم

حال اگر بخواهیم همراه با حسرت و آرزو یک تمایل قلبی را بگوییم ، می شود :

Wir würden gern mal wieder allein wegfahren

ما خیلی دلمان می خواست که باز دوباره تنهایی به جای دوری می رفتیم (مسافرت)

نکته مهم : هرگاه بخواهیم جملاتی اینگونه بسازیم ، نگاه به فعل جمله می اندازیم ، چنانچه sein یا haben بود آنها را تبدیل به wären و hätten میکنیم و برای دیگر افعال می بایستی به سر وقت würden برویم. زیرا اینها اتفاقاتی است که در آینده قرار است بیافتد شاید هم نیافتد ، یعنی شاید ما بتوانیم بالاخره یه زمانی دوباره تنهایی به مسافرت برویم ، که این تنهایی به مسافرت ما شاید در آینده نزدیک یا آینده دور یک واقعیت بشود و از شکل حسرت و آرزو در بیاید.

اگر می خواهید به خوبی هر چه بیشتر این مطلب و جملات اینگونه را درک کنید ، پیشنهاد میکنم دروس مربوط به Konjunktiv 2 را مطالعه کنید.

جزوء جملات آرزویی Konjunktiv 2 (کلیک کنید)

نگاهی دقیق تر به Konjunktiv 2 (کلیک کنید)

کی و کجا باید از این جملات استفاده کنیم؟

هرگاه که ما سخت مشغول به انجام کاری هستیم یا در یک محل یا جای دیگری هستیم ولی دلمان می خواهد جای بهتری می بودیم از این نوع جملات استفاده میکنیم. یا به زبان ساده تر هرگاه دلمان می خواهد که در یک موقعیت و شرایط بهتر یا دیگری می بودیم!

اگر به مثال های گفته شده در بالا دقت کنید : من می بایستی سخت درس می خواندم (در شرایط و وضعیت درس خواندن بودم) اما دلم می خواست که به محل بازی و تمرین اسکیت می رفتم

یا اینکه : وقتی خانواده همه بودند من آسایش نداشتم (وضعیت شلوغی) اما دلم می خواست که یه ذره آسایش میداشتم

و درنهایت : به خاطر وجود بچه ها ما نمی توانستیم تنهایی به مسافرت یا جای دوری برویم ، اما خیلی دلمان می خواست که می توانستیم باز دوباره تنهایی به مسافرت یا جای دوری میرفتیم

دقت کردید در فارسی می گوییم : الان وقت امتحانات آخر ترم است ، چی می شد سریع تموم می شد میرفتیم شمال

در واقع این جملات نیز کاربردی اینگونه دارد!

چند مثال و پایان درس:

Sie hat keinen neuen Mantel aber hätte sie gern einen neuen Mantel

او (مونث) پالتو نو ندارد ، اما او دلش می خواهد یک پالتوی نو می داشت

Er ist im Büro aber wäre er gern in der Disko

او در دفتر یا محل کار است اما دلش می خواد در دیسکو می بود یا حضور میداشت

Er muss jetzt arbeiten aber würde er gern auf der Couch liegen und fernsehen

او (مذکر) باید الان کار کند اما او خیلی دلش میخواد (الان) به روی مبل راحتی دراز می کشید و تلویزیون تماشا میکرد

Es ist mir Kalt, ich würde gern in der Sonne liegen

سردم است ، من خیلی دلم می خواست که در آفتاب دراز میکشیدم

تفکر فارسی : سردمه ، ای کاش زیر آفتاب دراز می کشیدم

Sie ist krank aber wäre sie lieber im Fitness-Studio und würde Sport treiben

او (مونث) بیمار است ولی او دلش می خواست در باشگاه بدنسازی می بود و ورزش میکرد

اما دیگر کاربردها این است که از ما سوال پرسیده می شود : کجا دلت می خواست الان می بودی؟ کجا دلت می خواست الان میرفتی؟ چی دلت می خواد الان داشته باشی؟

Wo wären Sie jetzt gern?

کجا الان دلتان می خواست می بودید؟

Ich wäre jetzt gern in Berlin

من الان دلم می خواست در برلین می بودم

Was hätten Sie gern?

چه چیزی دلتان می خواهد؟

Ich hätte gern ein Fahrrad

من دلم می خواهد یک دوچرخه میداشتم

Was würden Sie gern spielen?

شما دلتان می خواهد چه بازی میکردید؟

Ich würde gern Fußball spielen

من دلم می خواد فوتبال بازی میکردم

Wo wären Sie jetzt gern?

Ich wäre gern in meiner Heimat

کجا دلتان می خواست الان می بودید؟

من دلم می خواست در وطنم می بودم

Was hätten Sie gern?

Ich hätte gern viel Geld

چه چیزی دلتان می خواهد میداشتید؟

من دلم می خواست کلی پول میداشتم

Was würden Sie gern Spielen?

Ich würde gern Karten spielen

دلتان می خواست چه بازی میکردید؟

من دلم می خواست ورق (پاسور) بازی میکردم

دیگر کاربرد در اصطلاحات است :

Es wäre toll

خیلی عالی میشه

Ich hätte gern eine Cola mit viel Eis

من دلم می خواهد یک نوشابه (کولا) یا یخ زیاد میداشتم

وقتی به رستوران میرویم ، می توانیم بگوییم : ...Ich hätte gern بعد آن چیزی را که دلم می خواهد را بیان کنیم ، مثلاً :

Ich hätte gern einen Salat

من دلم می خواهد یک سالاد داشته باشیم یا میداشتم

Ich würde gern kurz mit ihm alleine sprechen

من دلم می خواهد یه کوچولو با اون (مذکر) تنهایی صحبت کنم

در نامه نگاری:

Für eine Antwort wäre ich Dankbar

برای یک پاسخ من ممنون میشم

یعنی چنانچه شما یک پاسخی بدهید من سپاسگذار میشم ، در فارسی معمولاً گفته می شود : اگه جواب بدی ممنونت میشم

و در مکالمات تلفنی و ...

Ich hätte gerne einen Termin beim Doktor...

من دلم می خواهد یک قرار ملاقات نزد دکتر ... داشته باشم.

Ja, ich würde gern einen Krankenwagen bestellen

بله ، من دلم می خواهد یک آمبولانس سفارش بدهم (خبر کنم تا بیاید)

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :